

تکواژ «خانه» و عملکرد معنایی آن در ساخت واژه زبان فارسی

بهرز محمودی بختیاری

۱- مقدمه

در این مقاله سعی بر آن است تا در قالب ساخت واژه زبان فارسی به ویژگیهای معنایی عملکرد تکواژ «خانه» در قیاس با سایر تکواژهای مکان ساز (مثل «ستان») پرداخته شود. معمولاً در بررسی‌های ساخت واژه، چه در زبان فارسی و چه در متون غیر فارسی، عملکرد ساخت واژه در محدوده خاص خود مورد بررسی قرار می‌گیرد و کوشش می‌شود تا به ویژگیهای ساختی - نحوی تکواژها در همنشینی با یکدیگر توجه گردد. مختصر حاضر با دیدی معنایی به عملکرد تکواژ «خانه» در ساخت واژه زبان فارسی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا ضمن معرفی و توصیف آن بعنوان یک پسوند، مشخص سازد که انتخاب تکواژها از روی محور جانشینی و فکندن آنها بر روی محور همنشینی زبان، به مجموعه‌ای از ملاکهای معنایی نیز وابسته است. به بیان دیگر، گاه

می‌توان از طریق جانشینی برخی تکواژها، به صورت‌هایی با معانی نزدیک ولی با بارهای معنایی متفاوت دست یافت. برای دست یازیدن به این مهم، ابتدا به مطالعاتی که در این زمینه خاص صورت گرفته است پرداخته خواهد شد. سپس ویژگیهای کاربردی تکواژ «خانه» در مقایسه با تکواژ مکان ساز «ستان» بررسی خواهد شد و در نهایت، سعی بر آن خواهد بود تا به عملکرد این تکواژ و پدید آوردن اختلاف دربار عاطفی واژه‌های ساخته شده پرداخته شود. رویکرد برگزیده برای این پژوهش، بررسی همزمانی است و بطور مشخص، گونه‌گفتاری زبان فارسی را شامل می‌شود.

۲- مختصری پیرامون مطالعات گذشته

در مورد پسوند بودن تکواژ «خانه» میان دستوریان سستی توافق یکپارچه‌ای وجود ندارد. خانلری در تعریف پسوند گفته است: «اجزایی را که خود دارای معنی مستقلی نیستند و جداگانه بکار نمی‌روند، اما کلمه تازه‌ای از کلمه دیگر می‌سازند، جزء پیوند نامیم. جزء پیوند اگر پیش از کلمه دیگر واقع شود، «پیشوند» و اگر پس از کلمه دیگر واقع شود، «پسوند» است (ک ۲ ص ۱۶۳).

کشانی (ک ۶ ص ۲) نیز پس از ارائه تعریفهای گوناگون از پسوند، آنرا واجد چهار ویژگی بنیادی می‌داند: ۱- نداشتن معنی ۲- اتصال به آخر کلمه‌ای دیگر (ریشه) ۳- تصرف در معنی ریشه ۴- تغییر شکل یا حالت دستوری ریشه.

با قبول چنین معیارهایی، پذیرش «خانه» بعنوان یک پسوند عملاً منتفی است، کما اینکه حسابی (ک ۱)، وزین پور (ک ۱۰)، خانلری (ک ۲)، همایونفرخ (ک ۱۱) و صادقی (ک ۴) نیز در نوشته‌ایشان آنرا بعنوان پسوند نپذیرفته‌اند. از سوی دیگر افرادی چون شریعت (ک ۳ ص ۴۲۵) «خانه» را بصورت «پسوند مکان که خودش هم مستقلاً معنی دارد» معرفی کرده‌اند. مشکور (ک ۸ ص ۲۹۸) نیز «خانه» را بعنوان یک «پسوند واره» پذیرفته است که «با اتصال به اسم اشخاص، اسم مصدر، اسم اشیاء و گاهی نیز به کمک صفت، اسم مکانهای گوناگون می‌سازد». او سپس به پنج مورد از کاربردهای این تکواژ اشاره می‌کند، ولی از تغییر بار معنایی سخنی به میان نمی‌آورد. صمصامی (ک ۵ ص

۳۰۰) با احتیاط به این تکواژ پرداخته است. او در ذیل توضیحات خود از پسوند «خان»، به «خانه» می‌پردازد و آنرا از ریشه پهلوی xanak و از ریشه پارسی باستان Ahana به معنای «جا و محل» مشتق می‌داند و می‌گوید: «در کتاب دستور فارسی ذوالنور، «خانه» بنام پسوند مکان آورده شده، اما بهتر است که جزو پسوندها به شمار نیاید و تنها اسم شمرده شود.»

آنچه در این میان مشترک است، عدم توجه این نویسندگان به ویژگیهای معنایی این تکواژ است. به عبارت دیگر، هیچ تمایز معنایی خاصی میان این تکواژ و سایر تکواژهای مکان ساز تاکنون مطرح نشده است. آنچه از این پس خواهد آمد، به تعیین مقوله «خانه» و بررسی مشخصات معنایی آن می‌پردازد.

۳- تکواژ «خانه» و محصولات واژگانی آن

نگارنده با جستجو در فرهنگ معین (ک ۹) به ۲۰۹ مورد از واژگانی برخوردار است که از همنشینی با تکواژ «خانه» پدید آمده‌اند. البته آنچه در این پژوهش کانون توجهات ما را تشکیل می‌دهد، بررسی ترکیباتی است که در آنها واژه پایه دارای مشخصه معنایی [+انسان] باشد. به جفت واژه‌های زیر توجه فرمائید:

بیمارستان	در برابر	مریض خانه
تیمارستان	در برابر	دیوانه‌خانه
کاباره، دیسکو	در برابر	رقاص خانه
پادگان	در برابر	سربازخانه
عشر تکه	در برابر	فاحشه‌خانه
مهمان‌پذیر، هتل	در برابر	مسافرخانه
گازرگاه، اطوشویی	در برابر	رختشوی خانه
پرورشگاه	در برابر	یتیم خانه
کشتارگاه	در برابر	سلاخ خانه

همانگونه که در فهرست بالا مشاهده می‌شود، پسوندهای مکان‌سازی چون «-ستان» (پر بسامدترین پسوند مکان‌ساز)، «-کده» و «-گاه» توانسته‌اند واژگان - تقریباً - هم‌معنایی با واژگان ساخته شده با «خانه» پدید آورند. آنچه در این میان باعث تفاوت میان این دو گروه شده است، اختلاف در بار عاطفی - و در نتیجه در کاربرد - واژگان است: بگونه‌ای که به نظر میرسد بار عاطفی واژگان شامل تکواژ «خانه» از بار عاطفی واژگان ستون دیگر منفی‌تر باشد. پس می‌توان چنین فرض کرد که صورتهای [+انسان] در هم‌نشینی با «خانه»، اسم مکانهای بار بار عاطفی منفی پدید می‌آورند. در مقابل این واژه‌ها، یا از واژگان بسیط استفاده می‌شود و با تکواژهای مکان‌ساز دیگر وارد عمل می‌شوند. البته می‌توان مواردی هم یافت که واژه دارای بار عاطفی منفی است و معادلی هم ندارد («شیره‌کش خانه»)، و یا مواردی که واژه معادل، ساختنی مشابه دارد («مرده شورخانه» در برابر «غسالخانه»).

نکته جالب توجه آن است که وقوع این رخداد زبانی، پدیده جدیدی نیست. بررسی‌های در زمانی نیز صحت فرضیه ما را تأیید می‌کنند. فهرست شماره ۲ از واژگانی تشکیل شده است که در فارسی امروز دیگر بکار نمی‌روند و صورت تغییر یافته آنها امروزه رواج دارد. واژگان از فرهنگ معین استخراج شده‌اند.

صورت فعلی	صورت قدیمی
آهنگری	آهنگرخانه
صابون پزی	صابون پزخانه
طبّاحی	طبّاخ خانه
کارپردازی	کارپردازخانه
عکاسی	عکاس خانه
قصابی	قصاب خانه
خطاطی	خیاط خانه
نانوایی	نانواخانه
قنادی	قنادخانه

عصاره	در برابر	عصارخانه
کارپردازی	در برابر	کارپردازخانه
کنسول (گری)	در برابر	کنسول خانه
راهداری	در برابر	راهدارخانه

(فهرست شماره ۲)

این فهرست، دو واقعیت را برای ما آشکار می‌کند: نخست آنکه «خانه» در همنشینی با تکواژهای مجاورش، کل ساخت حاصل را دارای بار عاطفی منفی می‌کند، و دوم آنکه این تغییر می‌تواند دلیلی بر پسوند بودن - و در نتیجه دستوری بودن - تکواژ «خانه» در همنشینی با ریشه‌های [+انسان] باشد.

تکواژ «ی» در زبان فارسی، تکواژی دستوری و پسوندی مکان مکان ساز است. در واژگان فهرست شماره ۲، این تکواژ جانشین تکواژ «خانه» شده است. می‌دانیم که بر روی محور جانشینی، عناصری جایگزین یکدیگر می‌شوند که از نظر واژگانی به مقوله واحدی متعلق باشند. لذا با مشاهده جایگزینی تکواژ «خانه» یا «ی»، منطقی بنظر می‌رسد که این دو تکواژ را متعلق به یک مقوله و دارای ویژگیهای نسبتاً یکسان بدانیم. یعنی «خانه» تکواژی است که در شرایط مذکور، از حالت واژگانی خود خارج شده و حالت دستوری می‌یابد. این فرایند را در زبانشناسی «دستور شدگی» یا GRAMMATICALIZATION می‌نامند. دستور شدگی در زبان فارسی سابقه دیرینه دارد و می‌توان وجود پسوندهایی چون «سرا» (به معنای خانه) و «گاه» (به معنای هنگام) را نتیجه عملکرد این فرایند در زبان فارسی دانست.

وجود صورتهای فوق، نشانه‌ای از نارسایی تعاریف سنتی از مفهوم پسوند است. دستور سنتی پسوند را فاقد معنای مشخص می‌داند، معذالک صورتهای فوق را هم می‌پذیرد. قطع نظر از این مطلب، «خانه» سایر ویژگیهای یک پسوند را داراست: به انتهای کلمه‌ای دیگر متصل می‌شود، در معنی ریشه تصرف می‌کند (هم کاربرد واژه را تغییر می‌دهد و هم بار عاطفی را دگرگون می‌کند) و طبیعی است که باعث تغییر حالت

دستوری ریشه هم می‌شود.

با پذیرش مطالب فوق، می‌توان نتیجه گرفت که پسوند (یا به گفته آقای کشانی، «پسوند واره») «خانه» علاوه بر مکان‌سازی، ویژگی ممتاز دیگری دارد که آنرا از سایر پسوندهای مکان‌ساز جدا می‌کند: مسئله بار عاطفی؛ که نشان دهنده اهمیت ملاکهای معنایی در همنشین کردن پاره‌ای از تکواژها می‌باشد. پژوهشی در زمانی هم نشان می‌دهد که پسوند «لاخ» نیز در زمان زایایی خود، حاصل را دچار افت بار عاطفی می‌کرده است (ک ۱۱ صص ۴-۱۵۳).

در اینجا ذکر نکته‌ای ضروری به نظر می‌رسد. مسئله بار عاطفی مطرح شده در این پژوهش، نتیجه یک قانونمندی کلی و همه‌جانبه نیست. آنچه در اینجا مطرح شده است. نمایانگر یکی از گرایش‌های معنایی و ساخت واژی زبان فارسی است، نه یکی از قوانین اساسی حاکم بر آن. مثلاً باکنکاشی در لغت‌نامه‌ها، به مواردی بر خوریم که ویژگی واژه [+انسان] + «خانه» را دارند و از نظر بار عاطفی هم دچار افت نشده‌اند. این واژه‌ها (در فارسی امروز) عبارتند از:

«آبدارخانه»، «آشپزخانه»، «زرادخانه»، «سقاخانه» و «مهمان‌خانه» که به نظر می‌رسد صورت «زرادخانه» نیز در گونه‌گفتاری فارسی امروز به کار نمی‌رود. اما نگاهی اجمالی به این واژگان و مقایسه آنها با سایر نمونه‌های ارائه شده در این مقاله نشان می‌دهد که علیرغم وجود مثالهای نقض، فارسی‌گفتاری امروز به سویی گرایش دارد که در بالا بدان اشاره کردیم. این مثالهای نقض در دوره‌های قدیمی‌تر زبان فارسی بیشتر بوده‌اند. مثلاً: «یساولخانه»، «ملاخانه»، «معلم‌خانه»، «فخارخانه»، «شیره‌پزخانه»، «زرگرخانه»، «پزشک‌خانه» و «منشی‌خانه»، اما بد نیست برای اثبات این نکته در مورد گرایش عمومی زبان فارسی در این زمینه، مروری هم بر واژگان منسوخ شده فارسی داشته باشیم بدون شک حضور همین واژگان زمینه را برای گرایش مورد نظر ما فراهم کرده است. اعداد داخل پرانتزها نشانه شماره صفحه مدخل واژه در فرهنگ معین است:

«اخته چی‌خانه» (۱۶۹)، «بندی‌خانه» (۵۸۸)، «خسته‌خانه» (۱۴۲۰)، «شاطرخانه»

(۱۹۹۸)، «عزب خانه» (۲۲۹۸)، «عصارخانه» (۲۳۱۵)، «غربت خانه» (۱۹۹۸)، «غلامخانه» (۲۴۲۴)، «فرارش خانه» (۲۵۰۳)، «فردخانه» (۲۵۱۴)، «قلندرخانه» (۲۷۲۳)، «گدانخانه» (۳۱۹۸)، «لولی خانه» (۳۶۵۸)، «مسکین خانه» (۴۱۱۵)، «نخاس خانه» (۴۶۸۴) و «نوانخانه» (۴۸۳۰).

شواهد بالا تا حد مطلوبی مراد ما را از این بحث برآورده می‌کنند، اما نمود عملکرد تکواژ «خانه» در مقایسه با سایر تکواژهای مکان ساز، عینیت بیشتری می‌یابد. لذا در قسمت بعدی مقاله به معرفی و مقایسه تکواژ «-ستان» - به عنوان زیاترین تکواژ صرفاً مکان ساز - با تکواژ «خانه» می‌پردازیم و در نهایت نتیجه‌گیری بحث ارائه خواهد شد.

۴- مقایسه تکواژهای «ستان» و «خانه»

تکواژ مکان ساز «ستان» بر خلاف تکواژ «خانه»، از سوی تمامی دستوریان به عنوان یک پسوند پذیرفته شده است. در کتاب حسابی (ک ۱ ص ۲۶)، نمونه‌هایی هم ذکر شده‌اند. به گفته همایونفرخ (ک ۱۱ ص ۱۵۳): «پساوند «ستان» در آخر اسمها می‌آید و معنی تخصیص موضع به مدخول خود می‌دهد. لوایی (ک ۷ ص ۶۶) آنرا یک «پسوند نامی» می‌داند و می‌گوید: «این پسوند برای ساختن نامها جا و کشور به کار رفته و از پارسی دیرینه stan = جای آمده». او سپس واژه‌های «اسپوستان» و «اشترستان» را از زند، و واژه‌های «دیبیر - یستان» (دیبرستان) و «فرهنگ - ئیستان» (فرهنگستان) را از پهلوی به عنوان نمونه ذکر می‌کند. مشکور (ک ۹ ص ۲۹۹) معتقد است که «-ستان پساوند مکان است و به معنی جای و کشور باشد». کشانی (ک ۲ ص ۶۸) «ستان» را پسوند مکان سازی می‌داند که پیش از اسم رویدنی، اسم عناصر طبیعی، اسم معنی، اسم ساکنان یک منطقه و صفت قرار گیرد. از سوی دیگر صادقی (ک ۴) نیز «ستان» را پسوندی می‌داند که «به اسمها ملحق می‌شود و نشان دهنده مکانی است که مصداق کلمه پایه در آن به فراوانی یافت می‌شود». در اینجا می‌توان مشاهده کرد که این تعریف به مفهوم مورد نظر ما از تکواژ «خانه» نزدیک است. اما در این میان نباید از تنوع معنایی

ایجاد شده توسط «خانه»، در مقایسه با «ستان» غافل شد. البته کلاً می‌توان واژه‌های [+انسان] «خانه» را ناظر بر ساخت واژگانی دانست که بر مفهوم «محل گردآمدن افراد مشخص» دلالت می‌کنند.

این ساختار، زایا و قابل پیش بینی است. مثلاً واژه عامیان «لات خونه» که به معنای باوق اوباش است، نمونه‌ای از این زایایی است. این پیش بینی در مورد «-ستان» به سادگی «خانه» امکان‌پذیر نیست. ضمن آنکه بحث مطروحه ما پیرامون بار عاطفی واژگان در اینجا محلی از اعراب ندارد.

دیگر تفاوت اساسی موجود، مقوله این دو تکواژ است. تکواژ «-ستان»، همانگونه که دیدیم، از دیرباز تکواژی دستوری و پسوندی مکان ساز بوده است. حال آنکه تکواژ «خانه» هنوز سیر تحول دستوری خود را به سوی تبدیل به پسوند طی می‌کند.

۵- نتیجه گیری

اگر تکواژهای ملحق به کلمات گوناگون بر نظامی پیوستاری قرار داشته باشند که در یک سوی آن، تکواژهای واژگانی و در سوی دیگر تکواژهای دستوری مثل پسوند را داشته باشیم، «خانه» تکواژی است که میل بسیار به سمت پسوند شدن دارد. این اتفاق که به نظر میرسد نتیجه فرآیند «دستوری شدگی» باشد، علاوه بر ویژگیهای ساختواژی، ویژگیهای معنایی خاصی را نیز در همنشینی با واژه پایه، به کل ساخت حاصل تحمیل می‌کند: یعنی آنکه در مقایسه با ساختهای هم معنای آن کلمه، از بار عاطفی آن می‌کاهد و طبعاً کاربرد اجتماعی آنرا تغییر می‌دهد. این گرایش به ما امکان می‌دهد که در مورد سایر واژگانی که با «خانه» ساخته می‌شوند، پیش بینی‌های معنایی داشته باشیم و به عبارت دیگر، بار عاطفی آنها را پیشاپیش تعیین می‌کنیم. برای مثال، پدید آمدن واژه‌ای چون «معتادخانه» در مقابل «بازپروری»، اتفاق غیر قابل تصویری نیست و به لحاظ بار عاطفی‌اش، احتمال وقوع دارد.

کتابنامه

- ۱- حسابی، محمود. (۱۳۶۸). *وندها و گهواژه‌های زبان فارسی*. تهران: جاویدان.
- ۲- خانلری، پرویز ناتل. (۱۳۷۳)، چاپ سیزدهم). *دستور زبان فارسی*. تهران: طوس.
- ۳- شریعت، محمد جواد. (۱۳۶۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
- ۴- صادقی، علی اشرف. (۱۳۷۲). «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱-۴)». *نشر دانش*.
- ۵- صمصامی، محمد. (۱۳۴۶). *پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی*. اصفهان: مشعل.
- ۶- کشانی، خسرو. (۱۳۷۱). *اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷- لوائی، محمد علی. (۱۳۱۶). *وندهای پارسی*. تهران: بی نا.
- ۸- مشکور، محمد جواد. (۱۳۶۸)، چاپ سیزدهم). *دستور نامه در صرف و نحو زبان فارسی*. تهران: بنگاه مطبوعاتی شرق.
- ۹- معین، محمد. (۱۳۶۳)، چاپ ششم). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- وزین پور، نادر. (۱۳۵۶). *دستور زبان فارسی آموزشی*. تهران: دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران.
- ۱۱- همانیونفرخ، عبدالرحیم. (۱۳۷۷). *دستور جامع زبان فارسی*. تهران: علمی.